

## اهمیت نهادی جَدعون به عنوان جنگجوی دلاور خدا

مطالعه متون مقدس: داوران ۶-۹

۱. جَدعون به عنوان جنگجوی دلاور خدا توسط او برخیزانده و فرستاده شد تا اسرائیل را از ستم مدیان (داوران ۶: ۱ - ۸: ۳۲) نجات دهد (داوران ۶: ۱۲-۱۴؛ ر.ک. یوحنا ۸: ۲۹)؛ ما باید اهمیت نهادی موفقیت جَدعون را ببینیم:

آ. جَدعون با دقت به کلام خدا گوش کرد، این کار در آن زمان در بین فرزندان اسرائیل نادر بود:  
۱. خداوند همیشه می‌خواهد گوش‌های ما را برای شنیدن صدایش باز کند تا ما امور را بر طبق اقتصاد او ببینیم - مکاشفه ۱: ۱۰، ۱۲؛ ایوب ۳۳: ۱۴-۱۶؛ اشعیا ۵۰: ۴-۵؛ خروج ۲۱: ۶.  
۲. همان طور که روح با کلیساها سخن می‌گوید (مکاشفه ۲: ۷)، ما همه به یک گوش باز، ختنه شده (ارمیا ۶: ۱۰؛ اعمال ۷: ۵۱)، پاک شده (خروج ۲۹: ۲۰؛ لاویان ۸: ۲۳-۲۴؛ ۱۴: ۱۴) و مسح شده نیاز داریم تا سخنان روح را بشنویم.

ب. جَدعون از کلام خدا اطاعت کرده و به آن عمل کرد - ر.ک. عبرانیان ۱۱: ۳۲-۳۳:  
۱. ما در عهد جدید دارای حیات مطیع و تسلیم مسیح هستیم، و اگر بر طبق روح گام برداریم، خودبخود الزام عادلانه [صادقانه؛ درست] شریعت را به جا خواهیم آورد - فیلیپیان ۲: ۵: ۱۱؛ رومیان ۸: ۴.

۲. اگر طرز برخورد ما در آمدن به شریعت این باشد که فقط به فرامین در حروف توجه کنیم، شریعت را از جنبه حروف گشوده خواهیم داشت؛ ولی اگر هر قسمت از شریعت را به عنوان بازدمِ خدایی که عاشقش هستیم داشته باشیم، شریعت را از جنبه روح حیات بخش خواهیم داشت؛ سپس شریعت عمل می‌کند تا خود خدا را به عنوان حیات به درون جویندگان با محبت او توزیع کند - مزامیر ۱۱۹: ۲۵، ۱۱۶، ۱۳۰؛ دوم قرنتیان ۳: ۶؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷.

۳. سرزنده بودن به معنای زنده و فعال بودن توسط از درون و بیرون پر شدن با روح، و توسط بشارت انجیل و تعلیم حقایق در هر زمان و هر مکان با غوطه‌ور شدن در کلام برای افزایش و ترویج خداوند است - دانیال ۱۱: ۳۲؛ اعمال ۱۳: ۵۲، ۴: ۸، ۳۱: ۱۳؛ ۹: ۲؛ ۳۸: ۵: ۳۲؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱-۲.

پ. جَدعون مذبح بعل (خدای اصلی کنعانیان که مذکر بود) را در هم شکسته و آشیره (الهه اصلی) که کنار آن بود را قطع کرد؛ این قلب خدا را لمس کرد چرا که خدا از بتها، که آنها را به عنوان مردانی می‌دید که همسرش اسرائیل با آنان مرتکب فاحشگی شده بودند، بیزار بود؛ بت به طور نهادی، هر چیزی در درونمان است که از خداوند بیشتر دوست داشته و در زندگی ما جایگزین خداوند می‌شود - داوران ۶: ۲۵-۲۸؛ حزقیال ۱۴: ۱-۳.

ت. جَدعون با در هم شکستن مذبح بعل و قطع کردن آشیره‌ای که از آن پدرش بود، رابطه خود با پدرش و لذت بردن از جامعه را فدا کرد تا یهوه را دنبال کند؛ برای اینکه جَدعون چنین کاری کند مستلزم این بود که منافع خود را قربانی کند، و قربانی او عامل قدرتمند موفقیت او بود - داوران ۶: ۲۸-۳۲.

ث. در نتیجه چهار عامل بالا، جَدعون پاداشی دریافت کرد - روح اقتصادی بر او نزول کرد [او را در بر گرفت] (آ. ۳۴)؛ از این رو، او قدرتمند شد و فقط با سیصد نفر، دو شاهزاده و دو شاه را، که دارای مردمی «همچون ملخ بی‌شمار» و «شترانشان... در شمار نتوانست آورد» (آ. ۷: ۵؛ ۲۵: ۸: ۱۰-۱۲)، شکست داد؛ با جَدعون تصویری داریم از انسانی که در وحدت با خدا زندگی می‌کرد، یک خدا-انسان، تا کلام خدا را تحقق داده و اقتصاد خدا را اجرا کند.

۲. انتخاب پیروزمندان در انتخاب جدعون و سیصد تن از مردان به جهت جنگیدن به همراه او برای شکست دادن میدان، دیده می‌شود - ۶: ۱-۶، ۱۱-۳۵؛ ۷: ۱-۸، ۱۹-۲۵؛ ۸: ۱-۴:

آ. روایت جدعون به ما نشان می‌دهد که چگونه یک پیروزمند باشیم:

۱. ما باید نفس را شناخته و دریابیم که خودمان کمترین هستیم - ۶: ۱۵؛ افسسیان ۳: ۸؛ متی ۲۰: ۲۷-۲۸؛ غلاطیان ۶: ۳.

۲. ما باید بپوش آسمانی مسیح را به عنوان مرکزیت و جامعیت اقتصاد جاودان خدا ببینیم - داوران ۶: ۱۲؛ اعمال ۲۶: ۱۶-۲۲؛ کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ فیلیپیان ۳: ۸، ۱۰.

۳. ما باید خود را به عنوان یک قربانی زنده به خدا بر طبق اراده نیکو، پسندیده و کامل او اهدا کنیم تا دارای واقعیت و زیستن بدن مسیح باشیم (رومیان ۱۲: ۱-۵؛ ر.ک. داوران ۶: ۲۱-۲۴)؛ ما باید کسانی باشیم که دعوت خداوند برای پیروزمندان در مکاشفه ۲ و ۳ را پاسخ دهیم - مکاشفه ۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶-۲۸؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۰-۲۱؛ سرود ۸۹۴.

۴. ما باید بتها در دلمان، در زندگی مان، و در کارمان را برای شهادت خداوند در هم شکسته، درک کنیم که از یک سو، خدا ما را به مسرت بردن از مسیح به عنوان حیات، نور، و قدرت رهبری می‌کند و از سوی دیگر، خدا در اجازه دادن به اینکه ما دارای مشکلات مالی، رنجهای عاطفی، رنجهای فیزیکی، و از دست دادن نیکویی طبیعی باشیم، امین است، تا اینکه ما مسیح را به عنوان رضایت خود برگرفته، از مسیح پر شویم، و به او اجازه دهیم تا جایگاه اول را در همه امور داشته باشد - داوران ۶: ۲۵-۲۸؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ ۸: ۱۲؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱؛ کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸؛ اول یوحنا ۵: ۲۱؛ ایوب ۲۲: ۲۴-۲۶؛ متی ۱۰: ۳۹-۳۵؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۹؛ ایوب ۱: ۱، ۲۲؛ ۲: ۹-۱۰؛ ۳: ۱، ۱۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۵؛ اول قرنتیان ۲: ۲.

ب. چگونگی انتخاب پیروزمندان، با انتخاب آن سیصد نفر دیده می‌شود؛ سخن خدا به جدعون درباره اینکه او [جدعون] ازدیاد افراد داشت نشان می‌داد که خدا برای اسرائیل می‌جنگید؛ اولین انتخاب منجر به خارج شدن بیست و دو هزار نفر شد:

۱. کسانی که رفتند می‌خواستند خودشان را جلال دهند - داوران ۷: ۱-۲؛ یوحنا ۵: ۴۱، ۴۴.

۲. کسانی که رفتند ترسان و لرزان بودند - داوران ۷: ۳؛ متی ۲۵: ۲۵؛ ر.ک. تثنیه ۲۰: ۵-۸.

پ. دومین انتخاب توسط طرز نوشیدن مردم تعیین شد؛ کسانی که مستقیماً با زبانشان آب خورند توسط خدا حذف شدند، کسانی که با دست آب نوشیدند توسط خدا انتخاب شدند چرا که آنها نفسشان [خودشان] را انکار می‌کردند؛ آنها با اینگونه آب نوشیدن قادر بودند برای حمله دشمن بیدار باشند - داوران ۷: ۴-۶:

۱. کسانی که فرصت دارند افراط کنند ولی این کار را نمی‌کنند، اشخاصی هستند که خود را انکار کرده، توسط صلیب به آنها رسیدگی شده، و آنها آسایش و راحتی شخصی خود را برای مقصود خدا در روزی که به جنگ می‌رود، فدا می‌کنند - آ. ۷؛ مزامیر ۱۱۰: ۳.

۲. پیروزمندان برای جلال خدا مطلق بوده و از هیچ چیز غیر از رنجاندن خداوند و از دست دادن حضور او نمی‌ترسند (خروج ۳۳: ۱۴-۱۶)؛ آنها به صلیب اجازه می‌دهند که به نفس رسیدگی کند (اول یوحنا ۳: ۸؛ عبرانیان ۲: ۱۴؛ رومیان ۶: ۲۳؛ غلاطیان ۲: ۲۰).

ت. خدا سیصد تن از مردان را به دست جدعون داده و آنها را یک بدن ساخت، که توسط «گرده‌ای نان جو» نشان داده شده که غلت زنان به میان اردوگاه میدان، برای شکست آنها و پیروزی خدا، داخل شد - داوران ۷.

۱. جدعون و مردانش با هم در یکدلی به عنوان یک انسان حرکت و عمل کردند، که نشانگر یگانگی در روح و زیستن در بدن است؛ آنها با هم در رستاخیز، که نشانگر جو [یعنی] دانه‌ای

که اول رسیده می‌شود است، یکپارچه شدند (۶: ۱۶؛ دوم سموئیل ۲۱: ۹؛ لاویان ۲۳: ۱۰؛ اول قرننتیان ۱۵: ۲۰)، تا یک قرص نان که نمادی از کلیساست، باشند (۱۷: ۱۰).  
۲. اندیشه پولس درباره اینکه کلیسا چون یک قرص نان است، از عهد قدیم با هدیه آردی گرفته شده است (لاویان ۲: ۴-۵)؛ ما دانه‌های بسیاریم (یوحنا ۱۲: ۲۴) تا بتوانیم به صورت آرد مرغوب آسیاب شده، با روغن، برای ساختن گردهای نازک، یعنی همان نان کلیسا، آمیخته شویم (اول قرننتیان ۱۲: ۲۴-۲۵).

۳. تمام همکاران و ارشدان باید یکدیگر را شبانی و محبت کنند تا یک نمونه از زندگی بدن باشند، نمونه‌ای از کسانی که یاد می‌گیرند متعادل، یکپارچه، و حذف شوند تا اینکه همه کار را توسط روح، برای توزیع مسیح به درون یکدیگر به جهت زندگی عملی بدن، انجام دهند - رومیان ۱۲: ۱-۵؛ ر.ک. دوم تواریخ ۱: ۱۰.

ث. جدعون و سیصد مردی که همراهش بودند نبرد را جنگیده و زحمت کشیدند، ولی کل جماعت دشمن را دور کرده و محصول را درو کردند؛ این نشان می‌دهد وقتی که پیروزمند می‌شویم، کل بدن احیا می‌شود تا وقتی که یهوه به عنوان آرامش، یهوه-شالوم (داوران ۶: ۲۴)، بر زمین حکمرانی کند - ۷: ۲۲-۲۵؛ ۸: ۱-۴؛ کولسیان ۱: ۲۴؛ مزامیر ۱۲۸: ۵؛ اشعیا ۳۲: ۱۷؛ ۶۶: ۱۲.

ج. همان طور که جدعون و مردانش در تعقیب پادشاهان می‌دان بودند، آنها با اینکه «به شدت خسته بودند، همچنان به تعقیب ادامه دادند» (داوران ۸: ۴ب)؛ از آنجا که ما رحمت خدا را جهت خدمتگزاری و زیستن در واقعیت اقتصاد جاودان خدا دریافت کردیم، دل‌سرد نمی‌شویم (دوم قرننتیان ۴: ۱؛ ۱۶-۱۸)؛ ما شاید تا حد خستگی زحمت بکشیم، ولی زحمت ما بر طبق عملکرد خداست، که در ما با قدرت عمل می‌کند (کولسیان ۱: ۲۸-۲۹؛ اول قرننتیان ۱۵: ۵۸).

### ۳. ما باید اهمیت نهادی راز شکست جدعون را ببینیم:

آ. اول اینکه جدعون مهربان نبود؛ او آن دسته از مردان شهر که از او حمایت نمی‌کردند را کشته (داوران ۸: ۱۶-۱۸)، ششمین فرمان خدا را شکست (خروج ۲۰: ۱۳)؛ مسیح به عنوان مهربانی خدا ما را به توبه رهنمون کرد (رومیان ۲: ۴؛ تیتوس ۳: ۴؛ افسسیان ۲: ۷).

ب. دوم، او شهوات جسم [تمایلات نفس] را بجا آورده (ر.ک. غلاطیان ۵: ۱۶؛ رومیان ۸: ۴)، هیچ محدودیتی بر تمایلات نفسانی خود نداشت؛ این توسط داوران ۸: ۳۰ نشان داده می‌شود، که به ما می‌گوید که جدعون دارای هفتاد پسر بود «زیرا زنان بسیار داشت»؛ علاوه بر این، کنیز او که در شکیم بود نیز برای وی پسری آورد (آ. ۳۱)؛ بدین گونه، جدعون فرمان هفتم را شکست (خروج ۲۰: ۱۴).

پ. سوم، با اینکه جدعون کار خوبی کرد که بر مردم حکومت نکرد (داوران ۸: ۲۲-۲۳)، او به غنایم مردمش (گوشواره‌های آنان) طمع ورزیده، دهمین فرمان را شکست، و آنها غنایم را به او تسلیم کردند؛ جدعون از آن طلایی که از مردم گرفته بود ایفودی ساخت، و این ایفود برای فرزندان اسراییل تبدیل به یک بت شد (آ. ۲۴-۲۷؛ خروج ۳۲: ۱-۴ و زیرنویس ۱ از آ. ۲)؛ در نتیجه، خانواده جدعون و کل جامعه اسراییل فاسد شدند.

ت. داوران کتابی درباره مسرت از سرزمین نیکوست، که نمادی از مسیح است؛ موفقیت جدعون نشانگر کسب کردن فرصتی عالی برای مسرت بردن از مسیح است، ولی شکست او نشانگر از دست دادن فرصت برای مسرت بردن از مسیح است.

۴. افراط جدعون در روابط جنسی و طمعکاری او برای طلا منجر به بت‌پرستی شد؛ طمعکاری [شهوت‌پرستی] بت‌پرستی است (کولسیان ۳: ۵)، و هم زنا و هم طمع به بت‌پرستی مربوط هستند (افسسیان ۵: ۵)؛ شکست او به ما نشان می‌دهد که در روابط جنسی و ثروت باید کنترل شدید بکار ببریم:

آ. حتی سلیمان پادشاه که در پادشاهی اسراییل، با شکوه آن پادشاهی در اوج خود، جلال یافته بود

(اول پادشاهان ۴: ۳۴؛ ۸: ۱۰-۱۱) و آغازش چون شخصی خدا ترس و خدا دوست بود، عاقبت از طریق زنان اجنبی متعدد تبدیل به یک بت پرست شد (۱۱: ۱-۱۳؛ رجوع شود به زیرنویس ۱ از آ. ۴۳).

ب. پس از مرگ جدعون، تنزل اسرائیل با ترک کردن یهوه خدایشان و پرستیدن بت‌های کنعانیان آغاز شد، که منجر به افراط آنها در شهوت جسمانی شد؛ همچنین پسر کنیز جدعون، ابیمیلک، هفتاد تن از پسران دیگر جدعون را کشت، در حالی که یوتام، پسری دیگر، گریخت - داوران ۸: ۳۳ - ۹: ۵۷.

پ. یوتام با شهادت مثلی از حکومت ابیمیلک را به عنوان حکومت بوته‌خار در مقابل کسانی که مانند درختان زیتون، درختان انجیر، و تاک‌ها بوده، جاه‌طلبی را رد کردند تا برای مردم خدا مجرای تأمین باشند (آ. ۸-۱۳)، اعلام کرد؛ خدا شرارتی را که ابیمیلک با کشتن هفتاد برادرش نسبت به پدر خود مرتکب شد، جزا داد؛ و خدا تمامی شرارت مردان شکیم را نیز بر سر خودشان برگرداند، و لعنت یوتام پسر یروبعل (جدعون - ۶: ۳۲) دامنگیرشان شد (۹: ۵۶-۵۷).

ت. جدعون در موفقیت خود به خدا پیوست، ولی در شکست خود به شیطان پیوست؛ ترک خدا و پیوستن به شیطان، داخل شدن به جاه‌طلبی نهادی در درون این فرد شرور است - اشعیا ۱۴: ۱۳-۱۴.

ث. ما هیچ حقی برای جدا شدن از خداوند و هیچ دلیلی برای ترک کردن او نداریم؛ ما باید او را برگیریم، محبت کنیم، حرمت نهیم، در نظر گیریم، تمجید کنیم، و به او بچسبیم، و شیطان را کاملاً رد کنیم؛ سپس برکت خواهیم یافت؛ برکت-یافته است هر کس - مملکت، جامعه، گروه، و فرد - که خداوند او، سر، پادشاه، و شوهرش، یهوه باشد - مزامیر ۳۳: ۱۲.